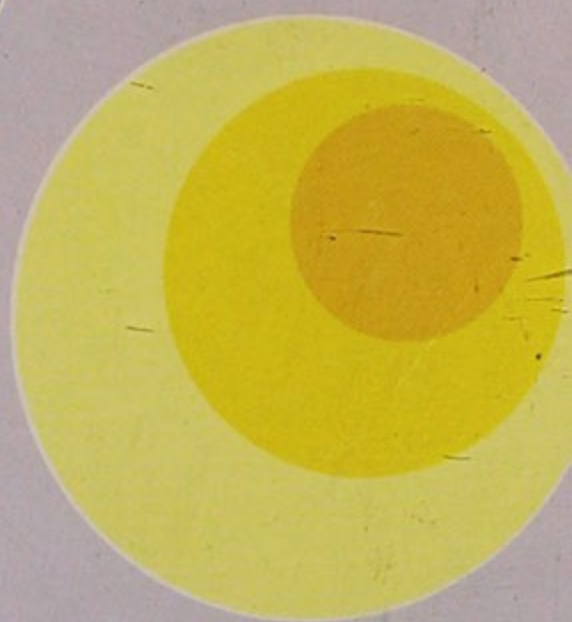


۱۹۰



ماهی رنگین کمان

از مجموعه نمایشنامه‌های دانش‌آموزی (۱۷)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نمایشنامه

«ماهی رنگین کمان»

بازی‌ها:

فرشته ماهی	ماهی ۱
ماهی پیر	ماهی ۲
عروس دریایی	ماهی ۳
	ماهی قرمز

نویسنده: گلناز مرادی

«هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه
کوله‌بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند
که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها
و تنها در چارچوب مکتبشان به حیات جاویدان
رسیده‌اند.»

روح‌الله الموسوی‌الخمينی (ره)

دومین سری مجموعه نمایشنامه دانش‌آموزی به
همت کارشناسی هنرهای نمایشی با همیاری جمعی از
نویسندگان جوان و علاقه‌مند به هنر نمایش به منظور رفع
کمبود متون نمایشی و نیز ایجاد رغبت و انگیزه در
دانش‌آموزان برای فعالیت‌های نمایشی در مدارس
صورت گرفته است. در هر نمایشنامه، توضیح صحنه‌ها به
حد ضرورت گنجانده شده تا فرصتی برای خلق موقعیت‌ها

و فضا سازی توسط دانش آموزان فراهم گردد و بتوانند
بسته به ذوق و فلاقیت خود یا توان و امکانات آموزشگاه
و نیز شرایط بومی و جغرافیایی، دکور، لباس، وسایل
صحنه و شیوه اجرای نمایش را انتخاب یا تغییر دهند.
امیدواریم که با ارایه این مجموعه، گامی مؤثر در
باروری شفصیت ایمانی و اجتماعی دانش آموزان سراسر
کشور برداریم.

کارشناسی هنرهای نمایشی
اداره کل امور فرهنگی و هنری

[دریا، چند ماهی مشغول ساختن خانه شنی هستند.]

ماهی ۱:

خونه‌ت چقدر قشنگ شده

محکم م‌ت به سنگ شده

در ساختن خونه شنی

مانند و همتا نداری

یاری بکن تو مارا

تا بسازیم به خونه

ماهی ۲:

نه خیر جونم نمی‌تونم تازه مونده کار خونه‌م
 به من چه مربوطه که تو نمی‌شناسی یک رو زدو
 ماهی ۱: [با ناراحتی]

باشه باشه عیب نداره تنم ز منت بیزاره
 خودم تنها هم می‌تونم خونه رو پایان ببرم
 ماهی ۳:

غمگین نشو دوست خوبم

ای یار خوب و محبوبم

صبر کن تموم بشه کارم

اونوقت دیگه کار ندارم

میام به تو یاری می‌دم

رمز کارو بهت می‌گم

ماهی ۱:

کار تو می‌مونه به یاد متشکرم خیلی زیاد

ماهی ۳: [به ماهی ۲]

تعجبم از رفتارت اون رفتار پر از کبرت

آخه مقصر تو بودی باعث آزار تو بودی

بیا و آشتی بکن با اون کینه رو از دلت برون

ماهی ۲:

برو بابا دلت خوشه

اون کیه که دوستم بشه؟!

همه می دونن من بهترم

تو همه کارا زرنگترم

هم بهترین شناگرم

هم توی این برکه سرم

ماهی ۳:

این که نشد دلیل بابا گناه داره اون بینوا

بیا و قدم جلو بذار تو بذر دوستی رو بکار

ماهی ۲:

چقدر بگم دوست ندارم

کاری به کارش ندارم

اگه که می خواد دوستم بشه

باید که منت بکشه

ماهی پیر: [وارد می شود.]

چیه چیه مشکل چیه این همه قیل و قال چیه

ماهی ۱:

مادر بزرگ ببین اینو	ماهی سرخ خودبینو
چون از ماها ماهرتره	فکر می‌کنه اون بهتره
اون نباید مغرور بشه	از راه خوبی دور بشه
نبايد به ما توهين کنه	با ما به قهر و کین کنه

ماهی پیر:

این که نداره غصه‌ای الان میگم یه قصه‌ای
تا رفع بشه ناراحتی‌تون بشه نصیحتی براتون
ماهیها: [خوشحال]

آخ — جون آخ — جون

چه خوب شد

ما می‌شنویم پند ترو

یاد می‌گیریم خیلی زود اونو

ماهی پیر:

یکی بود یکی نبود

زیر این چرخ کبود

تو این برکه‌ما

یه روزی وقت طلوع

یه ماهی رنگارنگ

سرسید از دورا

ماهیه قشنگ بودش

پولکاش رنگ و وارنگ

مثال رنگین کمان

بعضی رنگ ارغوان

بعضی آبی قشنگ

مثل سقف آسمان

چند تا پولک نقره‌ای

چند تایی هم طلایی

چی بگم از زیبایی‌اش

چی بگم از پولکاش

می‌دونین اسمش چی بود

اونن فرشته ماهی بود

اما اون یه عیبی داشت

ای بفهمی یه کمی خودبین بود

انتظار داشت همه جا

همه ککس بهش بگن

قشــنگی مـثـل پـری

از هـمـه زیـبـاتـری

می‌خواست توی برکه‌ها

آحـرف اول اول باشـه

چون خیلی خودخواه بودش

هـمـیـشه تـنـها بـودش

حالا با هم همه‌ممون

می‌ریم توی قصه‌شون

■ صحنه دوم

یکی از ماهیها:

من نقش شمشیرماهیم اون شجاع دریاییم

ماهی ۲:

باشه تو این نقشو بگیر منم می‌شم نقش وزیر

ماهی دیگر:

من هم نقش سلطان

ماهی ۱:

منم می‌شم نگهبان



[فرشته ماهی وارد صحنه می شود و بی توجه در حال گذشتن از کنار ماهیها است.]

همه با هم: فرشته ماهی، فرشته ماهی

فرشته ماهی: چیه چیه چی می خواهید بگید
همه با هم:

میای با هم بازی کنیم شنا تو برکه ها کنیم

فرشته ماهی: [با حالتی غرورآمیز] تا ببینیم چه پیش میاد

ماهی ۳: خواهش می کنم ازت بیا

فرشته ماهی:

بگین ببینم بازی چیه قصه شمشیر ماهیه

ماهی ۱:

همونکه حاکم و یاری داد

به فرمونش صدها سپاه

قول حکومت داد به اون

اما هاش دروغ و فریب

شجاع بود و دلیر ولی

حاکم اونو کشت با سنگدلی

ماهی ۲: میای بازی، آره، آره

فرشته ماهی: باشه ولی شرطی داره

همه با هم: چه شرطی؟!

فرشته ماهی: اینکه بگم کی چی بگه

ماهیه: چی میگی ممکنه مگه؟

ماهی ۲:

فرض می کنیم رییس تویی

بگو چی میخواهی تو بگی؟

فرشته ماهی: می خوام جای حاکم باشم

ماهی ۳: یعنی میگی که من نباشم؟

فرشته ماهی: [با خنده تمسخر]

تو با این ترکیب زشت بشی حاکم، چی می شه؟

ماهی ۲:

باشه تو حاکمی حالا منم میشم وزیر تو

فرشته ماهی:

کی گفت وزیر تو هستی نکنه با من نشست؟

فرشته ماهی رو به ماهی ۱:

حتماً تو هم که اونجایی داری نقش شمشیر ماهی

ماهی ۱: آره اینم عیبی داره؟

فرشته ماهی:

تو هیچ دور و تو هیچ زمون

این نقشا نیست لایقون

همه باهم:

دارد چه داا و نازی رات نمی دیم به بازی

فرشته ماهی: هر طور که میلتونه

ماهی ۱: انگار فقط اون میتونه

■ صحنه سوم

ماهی قرمز: [به فرشته ماهی نزدیک می شود.]

وای که چقدر قشنگه پولکاش رنگ وارنگه

تو زیبا هستی و تک به من میدی یه پولک

فرشته ماهی:

ای وای مگه الکیه فکر میکنی این چی چیه؟

اگه به تو پولک بدم به بقیه چی جواب بدم؟

همه می ریزن سر من تا پولک آخر من

اونوقت میشم مثل شما فرقی ندارم با دیگران

ماهی قرمز: یعنی نمی دی یه پولک

فرشته‌ماهی:

نکه نمی‌دم نه که نمی‌دم دیگه نمی‌شنوم حرف

[و رویش را از او برمی‌گرداند.]

سه ماهی: [وارد صحنه می‌شوند و خطاب به ماهی قرمز:]

بیا با هم بریم بازی ماهی سرخ نازنازی

[از صحنه خارج می‌شوند]

عروس دریایی: [وارد صحنه می‌شود.]

چی شده فرشته‌ماهی می‌بینم که تو غمگینی

فرشته‌ماهی:

هیچکی منو دوست نداره کاری به کارم نداره

تو بازیشون رام نمی‌دن همه از پیش من می‌رن

عروس دریایی:

بدون غرور کرده جدا از دوستی با ماهیها

فرشته‌ماهی:

باور بکن که خسته‌ام

از همه دل شکسته‌ام

انجام می‌دم هر کاری رو

تا دور کنم این خواری رو

عروس دریایی:

یه چیزی بگم گوش می کنی؟

یه کارو تو ممکن می کنی؟

فرشته ماهی: آره آره هر چی که بگی انجام می دم

عروس دریایی:

تقسیم بکن با ماهیها هم غمها و هم شادیها

بده به اونا پولکاتو میشی از این غرور رها

[ماهی قرمز وارد صحنه می شود و به صحبت های آنها

گوش می دهد.]

فرشته ماهی:

نگو نگو که امکان نداره تو رو به خدا اینم کاره؟

بدم به اونا پولکامو پس چی می شه فرق ماها

عروس دریایی:

معلومه که نمی تونی باشه نده خود میدونی

ماهی قرمز:

شنیدم شما چی گفتید

با عروس دریایی

من یه پولک خواستم ازت

ندادی تو، عیب نداره

کسی نداره توقع

نگه دار پولکت رو

فرشته ماهی:

ماهی سرخ غمگین نشو

تو از کارم دلگیر نشو

یه دونه پولک که چیزی نیست

ارزش بیشتر تو دوستیست

[یک پولک از پولکهایش درآورده به ماهی قرمز

می‌دهد.]

ماهی قرمز:

خواب می‌بینم یا بیدارم

راستی من یه پولک دارم؟

فرشته ماهی:

نه دوست من نیستی تو خواب

این پولک و تو داشته باش

ماهی قرمز:

خیلی از ممنونم بند او مده زبونم
 آهای آهای آی ماهیها بیاین، بیاین به پیش ما
 داده به من فرشته ماهی یه پولک نازطلایی
 اون شده دیگه مهربون با همه ما همزبون

ماهیها: [وارد صحنه می شوند.]

چی می بینیم، چطور شده
 یعنی راس راسی فرشته ماهی
 با ما شده دوست
 همدم و رفیق

فرشته ماهی:

بیاید همه ش مال شما تا شاد بشه دل شما
 این پولکارو نمی خوام وقتی دارم دوستی شما
 [برده عوض می شود.]

مادر بزرگ:

دیدید شما ای بچه ها
 قصه خوب ماهیها

بود مانع خوشبختیش

اون پولکهای رنگیش

داد به اونا، همه رویه جا

دوست شد دیگه با ماهیها

پاشید دیگه برید بازی

ای ماهیهای نازنازی

[ماهی پیر از صحنه خارج می‌شود.]

ماهی ۲ به ماهی ۱:

بزار بهت کمک کنم تا بسازی خونه خود

شینو با خاک مخلوط کن اونوقت درست کن دیوار

پایان



کتابخانه کودکان

۴۴۴

۹۴

شابک : ۹۶۴-۶۸۹۰-۲۱-۰
ISBN : 964-6890-21-0

شابک : ۹۶۴-۶۸۹۰-۱۴-۸
ISBN : 964-6890-14-8

